

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره نهم و هشتم

پیر را گفتم: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟
توی دنیای پراز اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهرونگ»

معصومه ابتکار: پیگیر ادامه حضور زنان در ورزشگاه هستیم

ابتکار:

ما و شما نداره، شما پیگیر باشید، انگار ما پیگیر بودیم!

اینفانتینو:

البته ما بیشتر پیگیریم تا شما!

اشهاب نبوی



ترکیه: تاکنون حدود ۳۰۰ نفر در عملیات موسوم به «چشمه صلح» کشته شده‌اند

اردوغان: «دریای خون» هم اسم بدی نبود ولی بار و حیاتم سازگار نیست!

نازنین جمشیدی | کارتونست | nana.jamshidi@gmail.com



سنگ مفت، حرف مفت!

عجله کار شیطانونه!



شهرام شهیدی
طنز نویس

۱. رئیس اتحادیه املاک کرج گفت: «مردم برای خرید خانه عجله نکنند، کاهش قیمت در راه است.»

۲. یک مرد ۴۳ ساله: «بفر ما خانم، هی گفتم در خرید خانه نباید عجله کنیم، خوب شد نخردیم، حالا فرصت داریم ۵ هزار تومان از حقوق ما بعدمان را بگذاریم روی پولی که برای خرید خانه کنار گذاشته‌ایم و اگر وعده ایشان هم درست باشد، با این حساب یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان کم داریم که جور می‌شود.»

۳. یک اسکلت: «سلام مرا به رئیس اتحادیه املاک کرج برسانید و بگویید بنده مدت‌هاست این جا منتظر نشسته‌ام، هنوز هم باید منتظر باشم یا مرد اولویت قرار می‌دهند؟»

۴. شیطان رجیم: «یک عمر نوشتند و گفتند «عجله کار شیطان است» حالا دیدید عجله کار من نبود و این خریداران مسکن بودند که در عجله کردن گوی سبقت را از من ربوده بودند؟»

۵. لاک پشت پیر دانا: «ای خرگوش بدان و آگاه باش که هرگز در خرید ملک عجله روا نیست، از من به تو نصیحت به سخن بزرگان گوش فراده.»

۶. پاسخ خرگوش چست و چالاک به لاک پشت پیر دانا: «ای لاک پشت خردمند، تو چون خانه‌ات ریف است و آن را بر دوش خود حمل می‌کنی، به این وعده‌ها دلت خوش است، بنده سه سال از کار است می‌دوم هنوز نتوانسته‌ام در مسابقه با افزایش نرخ خانه پیروز شوم، پس با احترام لطفاً برو کنار بگذار باد بیاد بینیم یا با!»

۷. یک کارتن خواب: «خدا را شکر که نه افزایش نرخ خانه مرا ناراحت می‌کند، نه کاهش نرخ آن مرا خوشحال، وقتی که جیب خالی است، عجله کردن اصلاً معنادار.»

۸. پشت یک کامیون نوشته بود: «نادر عجله کرد، از هند برنگشت، تو عجله نکن، بری، برگردی!»

۹. در دلدل یک خانم: «همسر من هم اتفاقاً اصلاً اهل عجله کردن نیست، یعنی معتقد است چون وقت طلاست، باید حسابی مصرفش کرد. برای یک لباس پوشیدن دو ساعت طول می‌دهد، وای به حال این که بخواهد خانه بخرد، با این حساب تا او بلند شود، قیمت خانه مفت شده.»

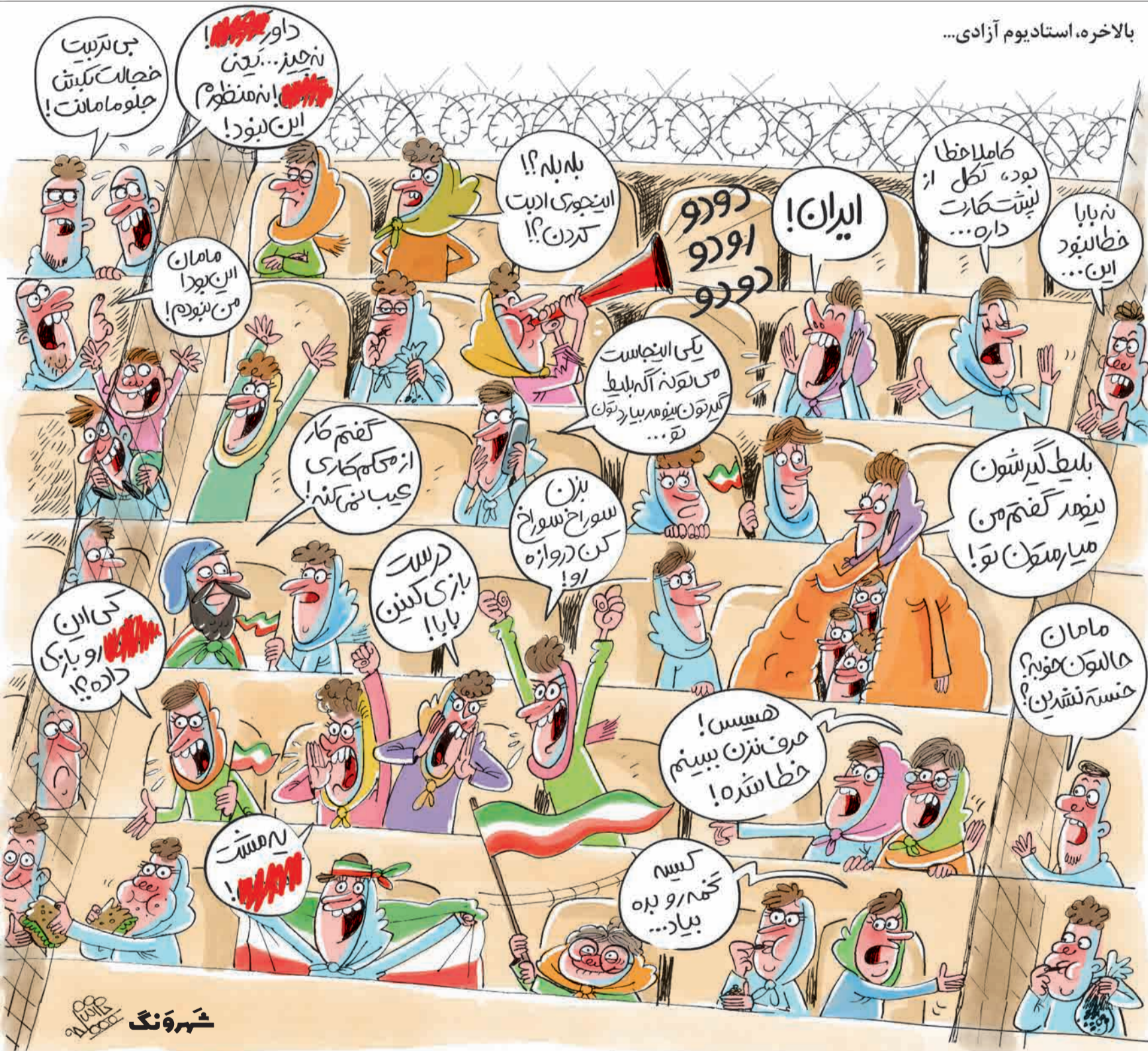
۱۰. در یک بنگاه معاملات ملکی پررفت و آمد، واقعا راست می‌گید؟ خانه شده متری ۲۰ تومان؟ دیدی خانم؟ صبوری مان جواب داد، چی؟ متری ۲۰ میلیون تومان؟ این محله؟ امکان نداره، خوب چرا میگه ۲۰ تومان وقت ما را می‌گیری؟ به پیشواز طرح حذف چهار تاصرف رفتی؟»

۱۱. رئیس اتحادیه گوشت: «عجب کلک خوبی، بد نیست ما هم از این شیطانونه‌ها یکم عجله و بگویم، مردم برای خوردن گوشت عجله نکنند، کاهش قیمت در راه است.»

۱۲. در دلدل یک شهروند: «من هم یک دایی داشتم نور به قبرش بیار، هر چی باهات مشورت می‌کردی، فقط می‌گفت «دایی عجله نکن»، می‌گفتی دایی ماشین بخرم؟ عجله کن»، «دایی عجله نکن»، می‌گفتی دایی زلزله آمده فرار کنیم، می‌گفت «دایی عجله نکن»، «آخرش هم زلزله همون زلزله عجله نکرد و عمرش را داد به شما.»

۱۳. صدای یک فرد خود جوش و مجهول الهویه: «قای نویسنده این متن، شما هم برای مردن عجله نکنید، کاهش قیمت قبر در راه است!»

بالاخره، استاد یوم آزادی...



تماشاخانه

پشت شمشاد



تغییر نام استقلال و پرسپولیس قطعی شد؟! اشهاب پاک نگر! اگر به سنگ‌نبشته‌های تخت جمشید که اخیراً وارد تهران شده نگاه بیندازید، می‌بینید که داریوش اول رو به مردم کرده است و می‌گوید: «تا آخر امسال استقلال و پرسپولیس را واگذار می‌کنم! خخخخخ» این اسناد ثابت می‌کند واگذاری این دو تیم پایتخت از زمانی که در جهان تاریخ مکتوب به وجود آمده، مطرح بوده؛ تا جایی که انیشتین می‌گوید: «دو چیز انتها ندارد؛ یکی پهنای کلهکشان و دیگری واگذاری استقلال و پرسپولیس، البته در مورد اولی مطمئن نیستیم.» امسال هم طبق سنت سنوایتی، وعده‌هایی برای خصوصی شدن این دو تیم مطرح شد، اما این سری یک فرق جدی با دفعات قبلی دارد، این بار یک عزم جدی پشت

قضیه است ولی متأسفانه این عزم جدی، آن قدر می‌خواهد زیر پوستی و لطیف کار کند که اصلاً یادش رفته برای چه رفته است پشت قضیه. به عنوان مثال، چند وقت قبل رئیس کمیسیون اصل ۴۴ اعلام کرد که «واگذاری استقلال و پرسپولیس یک کار مرحله به مرحله است و در مرحله اول باید برند این دو باشگاه واگذار شود. البته در حال حاضر معلوم نیست برند این باشگاه‌ها چقدر می‌ارزد.» حالا ما خیلی به مکانیزم قیمت گذاری نشان تجاری این دو باشگاه کاری نداریم، چون تجربه نشان داده قیمت گذاری‌ها این جوری است که مثلاً می‌گویند «این زمین ۱۰۰۰ میلیارد قیمتش!» بعد یک نفر دیگر می‌گوید: «نه داداش گرون می‌گی! شبیه همین زمین رو مغازه سر کوچه گذاشته ۱۰ میلیارد.» بعد آخر سر آقای قیمت گذار می‌گوید:

«پونصد میلیون بناروش خیرش رو ببینی ادشت اوله.» مسأله اینجاست که با خرید برند چه کاری می‌توان کرد، به هر حال، یک نفر قرار است چندمیلیارد پول بدهد و بیاید این برندها را بخرد، اما از آن طرف مدیریت باشگاه که قرار نیست دستش باشد، پس ممکن است با مدیران باشگاه دعواش شود. در این حالت ممکن است بگوید: «شما دیکه حق ندارین بایرند استقلال/پرسپولیس فوتبال بازی کنید. برین بگردین واسه خودتون یه اسم پیدا کنید!» البته این هم خللی در کار این دو باشگاه ایجاد نمی‌کند. استقلالی‌ها می‌توانند با اسم «نازنین دوچرخه‌سواران» به کار خود در لیگ ادامه دهند. این جوری هم به سنت‌ها احترام گذاشته‌اند، هم با استفاده هوشمندانه از «نازنین» در اسم، نشان می‌دهند که رگه‌هایی از مدرنیته را هم دارند. پرسپولیس‌ها هم بانام «پروزی سازان

پارسیان پایتخت» در لیگ بازی کنند. هم یک اسم جدید است، هم یادآور دوران طلایی حمله‌های برق‌آسا و شکار موقعیت‌های حمید و خشان و ناصر محمدخانی در حدفاصل میدان آزادی تا ورزشگاه آزادی. آن شخصی که برند اینها را خریده هم برود یک جگر کی، رستورانی چیزی بزند و برای خودش خوشحال باشد که در فرآیند خصوصی سازی دو باشگاه نقش داشته‌است. حالا با توجه به این که گفته شده واگذاری این دو تیم یک کار مرحله به مرحله است و با این تفاسیر، به نظر ما بهتر است فعلاً در همان مرحله صفر بمانیم و بنشینیم جای مان را بنوشیم و نگران فردا نباشیم. تا سال آینده خدا بزرگ است. این همسال این دو تیم واگذار نشدن، یک فصل دیگر هم روش!